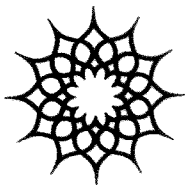


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ

پایان نامه تحصیلی خانم عدرا حیدری دزفولی، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان:

تطبیق بررسی چهار اثر از چهار نویسنده‌ی زن

("خانم دالوی" اثر "ویرجینیا وولف" - "آدم کش کور" اثر "مارگارت اتوود" - "خانه ادیسی‌ها" اثر "غزاله علیزاده" - "کولی کنار آتش" اثر "منیرو روانی‌پور")

با رویکرد اجتماعی

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا
امضا
امضا

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر رادفر با مرتبه علمی استاد

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر فرزاد با مرتبه علمی دانشیار

۳. استاد داور داخل گروه، آقای دکتر نجفدوری با مرتبه علمی استادیار

امضای رئیس پژوهشکده

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

(تطبیق بررسی چهار اثر از چهار نویسنده ی زن

خانم دالووی اثر ویرجینیا وولف، آدمکش کور اثر مارگارت اتوود، خانه ی ادیسی ها اثر غزاله علی زاده،

کولی کنار آتش اثر منیرور وانی پور

بارویگرد اجتماعی)

استاد راهنما :

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور:

دکتر عبدالحسین فرزاد

پژوهشگر :

عذرا حیدری دزفولی

آذرماه ۱۳۸۸

تقدیم به:

همه ی زنانی که

با قلبی دردمند و دستانی مجروح

به دامن شب ساره آویختند.

سپاسگذاری

حمد و سپاس ایزد پاک، پروردگار جهانیان را که داناست و دانایی را دوست می‌دارد. ستایش او را که لطف و کرمش قلم همت را روان داشت تا قطره‌ای از دریای بی‌کران علمش را به صفحه‌ی زرین بنگارد. نه به رسم عادت که به رسم ادب و ارادت برخورد لازم می‌دانم تا از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر رادفر که راهنما و راهگشای اینجانب در به اتمام رساندن این تحقیق بوده‌اند. کمال قدردانی و سپاسگذاری را داشته باشم. دانش و معرفت علمی ایشان، بر نحوه انجام کار و در نهایت به سرانجام رسیدن این پژوهش، تأثیر به‌سزایی گذارده است.

از استاد فرزانه‌ام جناب آقای دکتر فرزاد که زحمت مشاوره‌ی این رساله را بر عهده داشته‌اند. و در طول مراحل پژوهش، همواره یار و هم راه و یاور اینجانب بوده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم. بی‌تردید دانش و معرفت علمی ایشان، انگیزه‌ای قوی در گزینش موضوع بوده است. و نظارت مداوم ایشان بر بهبود کیفیت پژوهش، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جای نهاده است.

از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر نجف‌دری که قبول زحمت فرموده و مسئولیت داوری پایان نامه را به عهده گرفته‌اند کمال امتنان را دارم و برخورد می‌بالم که سعادت خوشه‌چینی از خرمن علم و معرفت ایشان را داشته‌ام.

این دم را غنیمت شمرده و برخورد واجب می‌دانم تا از زحمات کلیه عزیزان و بزرگوارانی که در طول دوران تحصیلی‌ام، از علم و معرفت‌شان بهره جسته‌ام، تشکر و قدردانی نمایم.

امید آن که همواره بر لبانشان ترانه خوشبختی و در قلبشان شبنم سعادت نشست باشد.

چکیده

این تحقیق با عنوان «تطبیق بررسی چهار اثر از چهار نویسنده‌ی زن»، از زنان اهل قلم در ایران، انگلیس و کانادا انتخاب شده است.

در این پژوهش با طرح مقدمه و بیان مسئله، کار تحقیق با معرفی نویسندگان و آثارشان آغاز شد و هر یک از رمان‌ها، با توجه به تحولاتی که انقلاب صنعتی در جوامع ایجاد کرده، از نقطه نظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی در این پژوهش، دستیابی به دیدگاه‌های نویسندگان زن در برخورد با جامعه و مسائل آن، به ویژه مسائل زنان بوده است؛ تا دانسته شود که زنان در جوامع دموکراتیک، بیش‌تر می‌توانند در اصلاح جامعه و آسیب‌های آن، منشاء اثر باشند.

این تحقیق علاوه بر طرح مشکلات جامعه و آسیب‌شناسی اجتماعی، به عواملی که موجب گردیده تا هویت زن در هاله‌ای از ابهام و زیر نفوذ اندیشه‌های مردانه گم شود، به طوری که بسیاری از نویسندگان و شاعران زن، مردانه اندیشیده و یا از افشای هویت زنانه‌ی خویش امتناع جسته‌اند، نیز پرداخته است. (مری‌ان اوانز، بانوی رمان‌نویس انگلیسی در قرن نوزدهم برای انتشار آثارش از نام مذکر **جورج الیوت** استفاده می‌کند).

تا کنون نقدی آکادمیک و علمی در باره‌ی رمان‌نویسان زن ایرانی و غربی صورت نگرفته است. شاید بتوانیم از بهترین الگوهای نقد تطبیقی *پانزده گفتار مجتبی مینوی و سفری در رکاب/ اندیشه اثر حسن هنرمندی* را نام ببریم. با این پژوهش دانسته می‌شود که نویسندگان زن ایرانی تا چه حد توانسته‌اند، روابط پیچیده‌ی انسانی و اجتماعی را در مقایسه با زنان غربی در آثار خود منعکس و تحلیل کنند.

مقدمه	۱۰
فصل اول: کلیات	۱۲
۱-۱- بیان مسئله	۱۳
۱-۲- اهمیت پژوهش	۱۳
۱-۳- سوال مورد پژوهش	۱۴
۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش	۱۴
۱-۵- روش کار	۱۴
فصل دوم: تحلیل داده‌ها	۱۵
۲-۱- مروری بر تاریخچه‌ی پیدایش رمان در اروپا	۱۶
۲-۲- رمانس	۱۸
۲-۳- داستان کوتاه	۲۰
۲-۴- رمان	۲۲
۲-۵- انواع مشهور رمان	۲۶
۲-۶- رمان نو و ضد رمان	۲۷
۲-۷- انقلاب مشروطه و ظهور رمان ایرانی	۲۸
۲-۸- رمان تاریخی	۳۲
۲-۹- رمان اجتماعی	۳۴
۲-۱۰- مکتب اصالت زن (فمینیسم)	۳۵
۲-۱۱- فمینیسم در ایران	۳۸

فصل سوم: غزاله‌ی علی‌زاده.....	۶۰
۱-۳- شرح حال علی‌زاده.....	۶۱
۲-۳- معرفی آثار.....	۶۳
۳-۳- خلاصه‌ی رمان خانه‌ی ادیسی‌ها.....	۶۵
۴-۳- نقد اجتماعی رمان خانه‌ی ادیسی‌ها.....	۷۹
فصل چهارم: منیرو روانی‌پور.....	۱۵۸
۱-۴- شرح حال روانی‌پور.....	۱۵۹
۲-۴- معرفی آثار.....	۱۶۳
۳-۴- خلاصه‌ی رمان کولی کنار آتش.....	۱۶۷
۴-۴- نقد اجتماعی رمان کولی کنار آتش.....	۱۷۴
فصل پنجم: ویرجینیا وولف.....	۱۹۲
۱-۵- شرح حال ویرجینیا وولف.....	۱۹۳
۲-۵- معرفی آثار.....	۱۹۷
۳-۵- جایگاه ویرجینیا وولف در ادبیات داستانی.....	۲۰۲
۴-۵- خلاصه‌ی رمان خانم دالووی.....	۲۰۴
۵-۵- نقد اجتماعی رمان خانم دالووی.....	۲۰۷
فصل ششم: مارگارت اتوود.....	۲۳۷
۱-۶- شرح حال مارگارت اتوود.....	۲۳۸
۲-۶- معرفی آثار.....	۲۴۰
۳-۶- خلاصه‌ی رمان آدمکش کور.....	۲۴۴
۴-۶- نقد اجتماعی رمان آدمکش کور.....	۲۵۹

۲۸۹	فصل هفتم: تطبیق نقد چهار رمان
۲۹۰	۱-۷- مروری بر ادبیات و نقد تطبیقی
۲۹۵	۲-۷- جایگاه نقد تطبیقی در ادبیات معاصر ایران
۲۹۹	۳-۷- سیمای جامعه‌ی ایرانی در دو رمان ایرانی
۳۰۲	۴-۷- آسیب شناسی اجتماعی در دو رمان ایرانی
۳۰۴	۵-۷- عناصر و رویکرد زنانه در دو رمان ایرانی
۳۱۱	۶-۷- تصویر جامعه در دو رمان غربی
۳۱۳	۷-۷- آسیب شناسی اجتماعی در دو رمان غربی
۳۱۶	۸-۷- عناصر و رویکرد زنانه در دو رمان غربی
۳۲۰	۹-۷- مشابهت‌ها در چهار رمان ایرانی و غربی
۳۲۳	۱۰-۷- موارد اختلاف در چهار رمان
۳۲۸	نتیجه‌گیری
۳۳۰	کتاب نامه
۳۳۴	فهرست مقالات
۳۳۵	Abstract

اگر حماسه را مربوط به قرون و اعصار گذشته بدانیم، بی‌تردید، رمان را باید حماسه‌ی انسان جدید دانست. در حماسه‌ها و اسطوره‌ها، انسان‌ها با خدایان و عناصر ماورای زمینی در نبرد بودند و سرنوشتی محتوم و گاهی شوم برای آنان مقدر شده بود که خود هیچ اختیار و قدرتی در تغییر آن نداشتند. شاه ادیپ، نمی‌توانست از آن‌چه برایش رقم زده بودند، بگریزد، به ناچار پدرش را کشت و با مادرش ازدواج کرد. رویین‌تنان نیز از آسیب در امان نبودند و مقتلی داشتند که آنان را به ناچار مرگ‌پذیر ساخته بود.

رمان که محصول انقلاب صنعتی اروپا است، درحقیقت حماسه‌ی انسان جدید است. قهرمان رمان تنها با خویشتن و انسان‌ها در نبرد است. این بار دشمن او دیو سپید و یا سیکل‌وپها و عجایبی که در ایلید و ادیسه دیدیم نیست. روابط پیچیده‌ی انسانی سرنوشت انسان جدید را رقم می‌زند. مدرنیته شدن انسان پس از انقلاب صنعتی در اروپا، اگر چه برکتی برای بشر بود و به آزادی زنان، ظهور دموکراسی، احقاق حق کارگران و غیره انجامید، اما اهمیت منافع شخصی و رواج فقر و فساد را نیز به دنبال داشت. نظام سرمایه‌داری که اکنون رشد بی حد و حصری کرده بود، با محوریت پول و سرمایه، کم‌کم انسان را از محوریت زندگی خارج می‌کرد و اصالت را به پول و سرمایه می‌داد.

روشنفکران جدید مانند امیل زولا و گی دو موپاسان و مانند این‌ها، به کمک انسانی شتافتند که چرخ‌های صنعت آن‌ها را در لای دنده‌های خود له می‌کرد. آنان دنباله‌ی کار ویکتور هوگو را گرفتند و به کمک زن شتافتند، زیرا با آن‌که گام‌های مهمی در باب آزادی زن برداشته شده بود، باین حال هنوز زن، در حالت خسوف کمینگی قرارداشت و جنس دوم به شمار می‌رفت.

اگر بپذیریم روشنفکران کسانی هستند که فرهنگ سازی می‌کنند باید براین باور باشیم که روشنفکر کسی است که می‌خواهد فشاری را که از سوی مراکز قدرت به او و جامعه وارد می‌شود، برطرف کند. نحوه‌ی رهایی از این سلطه را روشنفکران به جوامع القا می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت، روشنفکر حقیقی کسی است که غیر قابل پیش‌بینی باشد و نیز اندیشه‌های او، شعارهای جزم‌گرایانه‌ی احزاب نباشد. به بیان دیگر روشنفکر متعهد، کسی نیست که در برج عاج ساکن گردد و وابسته به نژاد، ملت و یا سرزمینی خاص باشد. ما این‌گونه رهایی و تعهد همه جانبه را بیش‌تر در میان هنرمندان می‌یابیم. از این روی در این پژوهش به سراغ رمان نویسانی رفته‌ایم که به نوعی روشنفکران روزگار خود هستند.

فمینیسم یا مکتب اصالت زن، از جمله دغدغه‌های انسان معاصر، به ویژه رمان نویسان معاصر است. نویسندگان انسان‌گرا اعم از زنان و مردان نویسنده در این حوزه، با اندیشه‌های قرون وسطایی در باب زن، به نبرد پرداخته‌اند؛ زیرا مسئولیت متحوّل کردن وضعیت اسفبار زنان، مسئولیتی مردانه یا زنانه نیست، بلکه این وظیفه بر دوش همه‌ی انسان‌ها سنگینی می‌کند.

وجود زنانی چون سیمون دوبووار، فیلسوف و داستان‌نویس فرانسوی و ویرجینیا وولف، رمان‌نویس توانای انگلیسی و دیگران، بیانگر این نکته است که زنان برای بُرون رفت، از حوزه‌ی کمینگی که محصول جهل اجتماع بدوی گذشته است، گام‌های بلندی برداشته‌اند. این زنان روشنفکر دریافته‌اند که برای تحقق آرمان آزادی زن، باید هم‌زمان به آزادی کامل انسان بیندیشند و زن را جدا از آزادی انسان مورد بحث قرار ندهند، زیرا می‌دانیم که برخی از زنان، بدون توجه به مسئله‌ی آزادی حقوق بشر، به سوی فمینیسم افراطی کشیده شده‌اند که چیزی جز تخریب به دنبال ندارد.

تحقق آرمان آزادی زن، مستلزم تحولی بنیادی-فرهنگی است. فرو ریختن یکباره‌ی دگماتیسم فکری رویایی است ناممکن، مادام که ابزار اندیشیدن دگرگون نگردد. این تحول نه تنها در نوع نگاه و اندیشه‌ی مردانه به زن، بل در نوع نگاه و اندیشه‌ی زنانه به خویش نیز باید صورت پذیرد. آن چه موجب گردیده تا طرح آزادی زن از صدسال پیش تا کنون در ایران پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نیابد، ریشه در تحجر فکری و انجماد نظری صاحب نظران از یک‌سو و عدم پیوستگی و همبستگی زنان به عنوان جبهه‌ای واحد از دیگر سوی دارد. درصد قابل ملاحظه‌ای از زنان با پذیرفتن موضع جنس دومی، بر ابقای اندیشه‌های قرون وسطایی در باب زن می‌افزایند بی‌آن که خود بدانند که قربانی سیاست‌های ارتجاعی و مردسالارانه‌ی القا شده از سوی کسانی هستند که بودندشان و وجودشان نه متکی بر ارزش‌های خویش که مبتنی بر نفی و انکار دیگری (زن) است. برای رهایی از جهل و نادانی راهی جز روشنگری نیست. ادبیات و رمان به عنوان ابزار روشنگری فرصتی است برای آگاهانیدن و رهانیدن. تو مرا نیک بیاموز من خود راه خویش خواهم آموخت.

فصل اول:

کلیات

۱-۱- بیان مسئله

مسئله‌ی بنیادی این پژوهش، افزون بر ردیابی رویکردهای زنانه، نقد جامعه‌شناختی است، تا: ۱- تفاوت نویسندگان زن ایرانی و غربی در نگرش به جامعه و نمایاندن آن در آثارشان معلوم گردد.

۲- تا مشابهت‌های جهان‌رمان‌های زنان ایران و غرب دانسته شود.

۳- تا بدانیم زنان ایران در آفرینش رمان اجتماعی با دست‌مایه‌ی واقع‌گرایی تا چه اندازه توانسته‌اند تصویر جامعه‌ی خود را صادقانه ترسیم کنند.

۱-۲- اهمیت پژوهش

از آنجایی که اصولاً پژوهش آکادمیک و دانشگاهی در حوزه‌ی نقد تطبیقی در ایران سابقه‌ی چندانی ندارد لازم به نظر می‌رسد پژوهش‌هایی پیرامون این مسئله صورت پذیرد تا دانسته شود که نویسندگان زن ایرانی تا چه حد توانسته‌اند روابط پیچیده‌ی انسانی و اجتماعی را در مقایسه با زنان غربی در آثار خود منعکس و تحلیل کنند و همچنین نشان داده شود که زنان در جوامع دموکراتیک بیش‌تر می‌توانند در اصلاح جامعه و آسیب‌های آن منشاء اثر باشند.

۳-۱- سوال مورد پژوهش

پرسش‌های مطرح شده که به آن‌ها در این پژوهش تا حد امکان پاسخ داده شده است بدین قرارند:

۱- تفاوت نویسندگان زن ایرانی و غربی در نگرش به جامعه و نمایاندن آن در آثارشان در

کجاست؟

۲- آیا می‌توان مشابهت‌هایی در جهان‌رمان‌های زنان ایران و غرب یافت؟

۳- زنان ایران در آفرینش رمان اجتماعی با دست‌مایه‌ی واقع‌گرایی تا چه اندازه توانسته‌اند تصویر

جامعه‌ی خود را صادقانه ترسیم کنند.

۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های تطبیقی به صورت آکادمیک در ایران سابقه‌ی چندانی ندارد و شاید بتوان گفت یکی

از بهترین الگوهای نقد تطبیقی *پانزده گفتار* استاد مینوی است. این اثر ارجمند الگویی برای

پژوهش‌گران ایرانی بعد از خود شد که از آن جمله می‌توان کتاب *سفری در رکاب اندیشه* اثر دکتر

حسن هنرمندی را نام برد.

۵-۱- روش کار

از میان روش‌های تحقیق، روش برگه‌نویسی و کتابخانه‌ای با این پژوهش سازگاری دارد.

نخست آثار نویسندگان موردنظر و منابع مرتبط با موضوع پایان‌نامه، مورد مطالعه قرار گرفت و

پس از برگه‌نویسی و جمع‌آوری مطالب، برگه‌ها بر حسب موضوع، تفکیک شد و این پایان‌نامه به

روش آثار علمی و پژوهشی با فرمت مورد نظر دانشگاه تنظیم گردید.

فصل دوم:

تحليل داده‌ها

۲-۱ - مروری بر تاریخچه‌ی پیدایش رمان در اروپا

با ظهور جنبش اومانیزم در اروپا که انسان و وجود او را مورد توجه قرار داد، بسیاری از انسان‌ها، خود را از قید مناسبات اجتماعی - که حاصل تسلط کلیسا بر جامعه بود - رها ساختند و موجبات دگرگونی‌های گسترده‌ای را در تاریخ بشریت فراهم آوردند. این جنبش عظیم که همان رنسانس بود، از ایتالیا آغاز شد، اما دیری نپایید که سراسر اروپا را فرا گرفت و خود عامل تحولات گسترده‌ی دیگری شد که سیمای جوامع انسانی را به کلی دگرگون نمود.

انقلاب صنعتی، یکی از این تحولات بود که با اختراع ماشین‌های مکانیزه، جهان را با دگرگونی‌هایی بنیادی روبرو ساخت. با حرکت چرخ‌های بزرگ صنعت کشاورزی، پارچه‌بافی و ریسندگی، صاحبان سرمایه به منظور تهیه‌ی مواد اولیه، متوجه قاره‌های دیگر، به خصوص آسیا شدند و با غارت ذخایر معدنی و ثروت‌های طبیعی آن‌ها، به رونق اقتصادی خویش افزودند.

هم‌گام با گسترش کارخانه‌های تولیدی در کشورهای اروپایی، به تدریج جمعیت جوامع صنعتی، به دو دسته تقسیم شدند: دسته‌ای که در صنایع سرمایه‌گذاری کردند و گروهی که در صنایع بزرگ و کوچک مشغول به کار شدند. بدین ترتیب دو طبقه در جامعه پدید آمد. طبقه‌ی خواص، که با توسل به سرمایه - تحت عنوان بورژوا - نامیده می‌شد و در مقابل آن طبقه‌ی پرولتاریا قرار می‌گرفت.

کارخانه‌ها با تولید روزافزون، علاوه بر گسترش طبقه‌ی بورژوا، موجبات رقابت‌های اقتصادی را نیز فراهم نمودند. به طوری که کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری با تصرف کشورهای مختلف و غارت منابع طبیعی آن‌ها، اروپا را به قطب بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کردند.

جنگ جهانی اول یکی از پیامدهای این رقابت اقتصادی است که طی آن کشورهای سرمایه‌دار اروپا، نظیر انگلیس، فرانسه و آلمان و... به جنگ صاحبان ذخائر برخاسته و با برهم زدن صلح، امنیت جهانی را به مخاطره انداختند.

نتایج غیرمنتظره‌ی جنگ از جمله تشکیل حکومت سوسیالیستی شوروی، ماهیت ظالمانه و استعماری کشورهای نظیر انگلستان را برملا ساخت و از طرفی باعث شد تا فرانسه قدرت مطلق اروپا گردد و انگلستان نسبت به آلمان روابط دوستانه در پیش گیرد.

تأمین هزینه‌های جنگ، آمریکا را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی معرفی کرد. زیرا آمریکا با تأمین هزینه‌های جنگ اروپاییان، به بانک‌دار حقیقی جهان بدل شده بود.

«متفقین جنگ جهانی اول یعنی انگلستان، فرانسه، ایتالیا، و غیره بابت مبالغ گزافی که در جریان جنگ از آمریکا وام گرفته بود، به آن کشور بدهکار بودند و از طرف دیگر دولت آلمان برای پرداخت غرامت بسیار سنگین و کمرشکنی که در برابر پیمان صلح ورسای به عهده گرفته بود... دست نیاز به سوی آمریکا دراز می‌کرد و اقساط غرامت جنگی را از محل وام‌های دریافتی از آمریکا پرداخت می‌نمود.

در سایر نقاط اروپا، فضا از نارضایتی عمیقی پر بود و آتش انقلاب و خطر انفجار روز به روز نزدیک‌تر و بیش‌تر می‌شد. ملت آلمان زیر بار سنگین غرامت جنگی، ورشکستگی اقتصادی، تورم پول و فقر عمومی از پای در می‌آمد.» (گروه جامی، ۱۳۶۲: ص ۴-۵)

فرهنگ و ادبیات اروپا، با تغییر اوضاع اجتماعی، از تحوّل و دگرگونی بی‌نصیب نماند و پس از مدتی سروانتس (۱۶۰۵-۱۶۱۵) قالب رمان را با دن کیشوت به اروپاییان معرفی کرد. وی با ابداع ژانر

جدید، نویسندگان را به گزیدنِ مردمِ عادی و انسان‌های ساده به عنوانِ قهرمان داستان خود دعوت کرد.

«با این اثر، دریچه‌ی تازه‌ای بر نویسندگان گشوده شد و آن نگرستن به زندگی واقعی و انسان ساده‌ای بود که در جامعه به فراوانی دیده می‌شد. این مشخصه، بزرگ‌ترین وجه تمایز رمان از رمانس بود. یعنی آدم‌هایی که موضوع و محور رمان قرار گرفتند، آدم‌های حقیر و ساده‌ای بودند که در اطراف هر نویسنده‌ای به فراوانی دیده می‌شدند. طبقه‌ی غالب افراد داستانی، از طبقه اشراف به طبقه عامه تبدیل شد و موضوع داستان حوادث زندگی عادی بود و فضای عادی زندگی انسان هم‌روزگار».(عبدالهیان، ۱۳۷۹:ص ۲۰)

۲-۲- رمانس

بسیاری ریشه و اساس رمانس، به خصوص رمانس اروپا را تحت تأثیر قصه‌های ایرانی کتاب هزارویک شب می‌دانند که در سده‌ی دوازدهم میلادی در فرانسه رواج و رونق گرفته و پس از آن به دیگر کشورهای اروپایی راه یافته است.

رمانس، یکی از انواع ادبی است که متأثر از اسطوره و افسانه شکل گرفت. در واقع رمانس «ارائه‌ی اثر هنری با در نظر گرفتن هر چه بیش‌تر جنبه‌های دور از واقعیت است.»(رادفر، ۱۳۶۶:ص ۱۴۴)

رمانس خواننده را با صحنه‌های شگفت و عشق‌های احساسی و پرشور روبه‌رو می‌کند. اکثر شخصیت‌های رمانس، قهرمانانی اصیل‌زاده و پاک هستند که فارغ از زندگی روزمره، در حال جنگ و سلحشوری‌اند؛ و هم‌زمان درگیر ماجراهای عشقی نیز هستند، که آن‌ها را به ادامه‌ی جنگ و پیروزی که همانا رسیدن به معشوق نیز هست، تشویق می‌کند. قهرمان داستان با جادوگرانی روبروست که برایش مشکل می‌آفرینند و او را به مبارزه می‌طلبند. قهرمان رمانس با آن‌ها می‌جنگد و در اکثر موارد پیروزی و موفقیت از آن اوست و به کام دل می‌رسد.

اکثر رمانس‌ها ویژگی‌های قصه‌های بلند فارسی را دارند، هر چند که «رمانس در ادبیات فارسی با مشخصات خاص داستانی و خاستگاه آن عیناً وجود ندارد». (میرصادقی، ۱۳۸۳:ص ۱۴۹)

رمانس‌ها ابتدا به شکل شعر روایتی و منظوم بوده و بعدها به صورت نثر نوشته شده‌اند. بسیاری محتوای رمانس‌ها را اخلاقی نمی‌دانند و چندان با آن موافق نیستند. «به گفته‌ی نورترپ فرای (نظریه‌پرداز کانادایی)، رمانس، منطقه‌ی میان اسطوره و محاکات را به خود اختصاص می‌دهد. بر طبق این تعریف، رمانس با شخصیت‌هایی سر و کار دارد که نیروها و توانایی‌هایشان از انسان عادی فراتر می‌رود، اما به پای خدایان نمی‌رسد. رمانس‌ها به ندرت دارای محتوای اخلاقی و تعلیمی هستند». (همان:ص ۱۴۹)

رمانس که خود تحت تأثیر اسطوره و افسانه شکل گرفت، به نوبه‌ی خود بر رمان اثر گذاشت. «تناوب موضوع اظهار عشق در رمان، از نظر تکوینی، میراث کمدی و رمانس قرون وسطی است... زیرا در یک دوره‌ی معین شرایط تاریخی و اجتماعی است که رمان با توقف در لحظه‌ی اوج، آن را تبدیل به امری مطلق می‌سازد». (هوف، ۱۳۶۵:ص ۱۲۸)

«صراحت داستان در وهله‌ی اول وابسته به زبان است. رمانس که به زبان فرانسه نوشته می‌شد ترجمان اسطوره بود و از آن طریق محتوای خود را به حیات اجتماعی معاصر نزدیک می‌کرد. با این همه اسطوره‌ها و افسانه‌ها به شکل شعری سروده می‌شدند و انواع شگردهای ذهنی را - که برای مثال /بلیاد برای ما آشناست- ایجاد می‌کردند. رمانس، از طرف دیگر به قصد مطالعه‌ی مستمر نوشته می‌شد که مطالعه‌ی آن گرچه شاید نه فردی، اما مسلماً خصوصی بود. موقعیت ادبیات حماسی، شعر وقایع نگار و رمانس در قرن دوازدهم به طرزی متضاد جلوه می‌کند.

قصه‌ی حماسی با محتوای اصیل خود خطاب به گروه وسیعی از مردم عامی نوشته می‌شد. از طرف دیگر رمانسی که غالباً قهرمان را در یک زمینه‌ی روزمره قرار می‌داد خطاب به دانشمندان و نجبا نوشته می‌شد. این گروه از مردم که مسلح به قدرت جدید، فرهنگ جدید، و وضعیت اجتماعی

جدیدی بودند و باید مورد تأیید قرار می‌گرفتند، لازم بود ادبیاتی داشته باشند که هم وضعیت آن‌ها را مشروع جلوه دهد و هم مبین رفتار و حساسیت آن‌ها باشد.

به دلیل روحیه‌ی هیجان و سلحشوری شوالیه‌های قرن دوازدهم به قهرمانان افسانه‌ای، به دلیل شرکت دادن همان هیئت‌های قهرمان اسطوره‌ای در فتوحات جنگ یا شکار قرون وسطی، به دلیل فراهم کردن محیطی متشکل از دژها و برج و باروها برای قهرمانان خود، تبدیل اسطوره به رمانس نشانه‌ی عاملی روانی و اجتماعی بود، که هنوز هم در آثار لافایت، ساد و بالزاک سوسو می‌زند، یعنی عامل هم‌مانندسازی. این فرصت به خواننده داده می‌شود تا خود را به جای قهرمان بگذارد. در رمانس، که در عمیق‌ترین معنای کلمه، تاریخی است؛ مفهوم تکرار ابدی به طور کلی کهنه شده است. قهرمان در نقطه‌ی خاصی از زندگیش، همراه با آینده و گذشته آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین از این پس باید او را شخصیت خواند زیرا معرف فردی خاص است». (زرافا، ۱۳۶۸: صص ۱۴۳-۱۴۵)

۲-۳- داستان کوتاه

داستان کوتاه به شکل و الگوی امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرد. ادگار آلن پو، نویسنده‌ی آمریکایی در پی انتقادی که در سال ۱۸۴۲ بر مجموعه داستان‌های قصه‌های بازگوشده اثر ناتانیل هاثورن نوشت، اصول نوع ادبی‌ای را پی‌ریزی کرد، که بعدها تعیین‌کننده‌ی حد و حدود کمی و کیفی داستان کوتاه شد و این نوع ادبی که از اروپا آغاز شده بود و در ابتدا هویت مستقلی نداشت، به ثمر رسید.

وی مبانی نظری این نوع ادبی را نیز ارائه داد و موجب شد تا تلاش‌های سر والتر اسکات، ایرونیگ، هافمن و هاثورن که پیش‌تر در این باره کار کرده بودند به ثمر نشینند.

داستان کوتاه «اثر کوتاهی است که در آن نویسنده به مدد یک طرح منظم، یک پرسناژ اصلی را در یک حادثه‌ی اصلی نشان می‌دهد و این اثر من‌حیث‌المجموع تأثیر واحدی را القاء می‌کند.» (رادفر، ۱۳۶۶: صص ۱۱۷)

ویژگی اصلی داستان کوتاه این است که خواننده طی یک نشست بتواند با تکیه بر روایت نویسنده، با بررسی از زندگی شخصیت داستان آشنا شود. باید توجه کرد که داستان کوتاه پیچیدگی دنیای رمان را ندارد و گره‌افکنی‌های داستان کوتاه نسبت به رمان کم‌تر است.

اگر اصل مهم رمان روایت‌گری و ذکر حوادث اصلی و فرعی و اوج و فرودهای بسیار باشد، داستان کوتاه بر مبنای طرح خطی و بر مبنای غافل‌گیری و ایجاد حالت شک و انتظار شکل می‌گیرد و این حالت تا پایان داستان خواننده را همراهی می‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت که، «فرق بین داستان و رمان فقط در اندازه‌ی آن‌ها نیست، بلکه این دو، از نظر میزان پیچیدگی محتوا و تعداد گره‌های داستانی نیز با هم فرق دارند. داستان کوتاه واقعی را نمی‌توان تبدیل به رمان کرد، اما فکر داستان کوتاه را می‌توان پرورش داد و تبدیل به فکر یک رمان کرد. داستان کوتاه به یک حادثه‌ی اصلی و چند حادثه‌ی فرعی می‌پردازد اما رمان حوادث اصلی و فرعی زیادی دارد و هر چه طرح رمان جلوتر می‌رود، این حوادث بیش‌تر با هم ترکیب می‌شوند و بالاخره داستان کوتاه چند شخصیت بیش‌تر ندارد، اما رمان معمولاً شخصیت‌های زیادی دارد.» (بیشاب، ۱۳۷۸: ص ۲۵۸)

باید خاطر نشان ساخت که داستان کوتاه تا مدّت‌ها «از سوی نویسندگان چندان جدی گرفته نشد و بیش‌تر نویسندگان از سر تفنّن داستان کوتاه می‌نوشتند. در قرن نوزده تعداد نویسندگان داستان کوتاه بسیار کم‌تر از نویسندگان رمان بود. اما از آغاز قرن حاضر داستان کوتاه جای خود را باز کرد و حتی در پاره‌ای از موارد، مهم‌تر از رمان ظاهر شد.» (عبداللهیان، ۱۳۷۹: ص ۲۲)

محمدعلی جمال‌زاده، پایه‌گذار داستان کوتاه در ایران است. او با پیروی از سبک انشای دهخدا در چرند و پرنده در سال ۱۳۰۰ مجموعه داستان کوتاه یکی بود یکی نبود را نوشت. این اثر حاوی شش داستان کوتاه بود که جامعه ادبی سنت‌زده و اشرافی ایران را با زبان و بیان جدیدی روبرو کرد. زیرا جمال‌زاده با محور قرار دادن زبان عامیانه و نیز پیروی از اصل ساده نویسی نشان داد که می‌توان مردم عامی و زبانشان را در آثار ادبی مورد توجه قرار داد.

اگر چه جمال‌زاده در ابتدا مورد طعن برخی از نویسندگان سنتی قرار گرفت و به بی‌ذوقی متهم شد، اما تلاش او در این راه به ثمر نشست به طوری که بعدها صادق هدایت با نوشتن مجموعه داستان کوتاه *زنده به گور*، شیوه‌ی او را اعتلا بخشید و این ژانر را به طور کامل وارد ادبیات ایران کرد. از نویسندگانی که بعدها شیوه‌ی هدایت را در این ژانر مورد توجه قرار دادند می‌توان از بزرگ علوی با مجموعه داستان کوتاه *چمدان* و چوبک با مجموعه داستان‌های کوتاه *خیمه شب بازی* نام برد.

۲-۴-۲-۴-۲ رمان

آخرین شکل ادبیات داستانی که پس از رمانس و قصه‌های عامیانه شکل گرفت، رمان است. «در قدیم در زبان فرانسوی به حکایت واقعی یا غیر واقعی، چه نظم و چه نثر رمان گفته می‌شد. ولی امروز رمان به سرگذشت یا داستانی گفته می‌شود که حوادث آن زاینده‌ی تخیل نویسنده‌ی آن می‌باشد و به نثر است.» (رادفر، ۱۳۶۶: ص ۱۴۱)

برخی آغاز رمان را با دن کیشوت اثر سروانتس می‌دانند. با وجود این که دن کیشوت را به دلیل قهرمانی‌های دن و معشوق او دل‌سینا می‌توان به نوعی رمانس دانست، اما این اثر خالی از ویژگی‌های رمان نیست چرا که داستان بلند روایی است که در آن شخصیت اصلی داستان در کنار شخصیت‌های فرعی، مجموعه رویدادهای داستان را به پیش می‌برد و از این نظر می‌توان آن را رمان نامید. بنابراین می‌توان گفت که دن کیشوت مرز میان رمانس و رمان است.

طی دوران گذر و تحولات اجتماعی، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های فکری و فلسفی هر دوره، گرایش‌های جدیدی در رمان به وجود آمد. اکثر مکاتب فلسفی و ادبی در فرانسه و پاریس پایه‌گذاری شدند و از آن‌جا به دیگر نقاط اروپا و جهان انتشار یافتند.

رئالیسم، رمانتیسیسم، سوررئالیسم، دادائیسم، ناتورالیسم و مدرنیسم از جمله مکاتب متعددی بودند که اصول آن‌ها به تدریج و طی دوره‌های مختلف در آثار ادبی و داستانی پدیدار شد.